

## تأثیرات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی

### بر عملکرد خانوادگی زنان

محسن گل محمدیان<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۱۵

#### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ابعاد عملکرد خانوادگی در زنان انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی و طرح آن از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل تمام زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شاهد و اینترگر اسلام‌آباد غرب در سال ۱۳۹۲ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ده نفری آزمایش و کنترل گمارده شدند. به گروه آزمایش بر اساس هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی با توجه به موضوعات، اهداف و پیشینه پژوهش طی ده جلسه آموزش داده شد. طول هر جلسه دو ساعت، تواتر جلسات به صورت هفته‌ای دو بار برای گروه آزمایش بود. ابزار پژوهش پرسشنامه عملکرد خانوادگی (FAD) بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA) نشان داد که آموزش هوشهای اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ابعاد عملکرد خانوادگی زنان (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) تأثیر معنی‌داری داشته است. در کل، یافته‌ها لزوم گنجاندن برنامه آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی را در برنامه‌های آموزش خانواده و زوجین یادآور می‌سازد.

کلید واژه‌ها: هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی، عملکرد خانوادگی.

## مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است که موجب رشد احساسات، ارزشها، تکامل، اعتماد به نفس، اجتماعی‌شدن، قدرت انتخاب و در نهایت تصمیم‌گیری منطقی افراد می‌شود. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد مناسب خانواده عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (اولیور و میلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). خانواده نظامی است که عملکرد آن از طریق الگوهای تعاملی صورت می‌گیرد. تعاملات الگوهایی به وجود می‌آورد مبنی بر اینکه یک نفر چطور و چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار کند. همین الگوهای تعاملی به صورت نامرئی، توقعات مکملی را تشکیل می‌دهد که نظم‌دهنده بسیاری از اوضاع خانواده است (ترانگاسومبات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). عملکرد خانواده، انعطاف‌پذیری بقای مرزها، الگوهای ارتباطی، تجربه خانواده اصلی و بافت فعلی از جمله جهتگیریهای فرهنگی و ارزشی خانواده است (تاملیسون<sup>۳</sup>، ۱۳۸۴). از جمله الگوهای مطرح در زمینه کارکرد خانواده الگوی مک‌مستر<sup>۴</sup> است. بر اساس الگوی مک‌مستر، عملکرد خانواده شامل شش جنبه کارکردی حل مشکل<sup>۵</sup>، ارتباط<sup>۶</sup>، نقشها<sup>۷</sup>، پاسخهای عاطفی<sup>۸</sup>، درگیری عاطفی<sup>۹</sup> و کنترل رفتار<sup>۱۰</sup> است (ریان، اپستین و کیتنر<sup>۱۱</sup>، ۱۳۹۰). حل مشکل، توانایی خانواده برای حل مسئله است به گونه‌ای که تعاملات مؤثر خانواده استمرار یابد. نقشها، الگوهای تکراری از رفتارها است که افراد با آنها کنشهای خانواده را تحقق می‌بخشند. همراهی عاطفی، درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم است. ارتباط یعنی اینکه خانواده چگونه اطلاعات را مبادله می‌کند. درگیری عاطفی به میزان مشارکت و همکاری اعضا در خانواده گفته می‌شود و کنترل رفتار نیز الگویی است که خانواده برای اداره کردن رفتار در سه موقعیت جسمانی، روانی، زیستی و اجتماعی انتخاب می‌کند (جاویدی، سلیمانی، احمدی و صمدزاده، ۱۳۹۲).

- 1 - Oliver & Miller
- 2 - Trangkasombat
- 3 - Tamlison
- 4 - McMaster model
- 5 - Problem solving
- 6 - Communication
- 7 - Roles
- 8 - Emotional responsiveness
- 9 - Emotional involvement
- 10 - Behavior control
- 11 - Reyan, Eperstine & Kitner

بدون شک خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده تحت تأثیر متغیرهای مختلفی از جمله دارا بودن هوش است. پژوهشگران، هوش را ظرفیت کسب دانش، قدرت تفکر استدلال انتزاعی و توانایی حل مسئله<sup>۱</sup> تعریف می‌کنند (پارسونز، هینسون و ساردو براون<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶). از جمله حوزه‌های حوزه‌های جدید در این زمینه، هوشهای اخلاقی، معنوی و فرهنگی<sup>۳</sup> است. بوربا<sup>۴</sup> (۲۰۰۵ و ۲۰۰۱) (۲۰۰۱) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از اخلاق، داشتن باورهای اخلاقی قوی، عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند (بوربا، ۱۳۹۰). برای برخی افراد اصول اخلاقی مهم و محوری است درحالی‌که برای برخی دیگر ارزشهای اخلاقی در تصمیم‌گیریهای مرتبط با موفقیت‌های زندگی و کاری، عامل کلیدی به شمار نمی‌رود (حافیظه، زهیرول و گوشینا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). اخلاق شامل همه خوبیها و فضایی است که افراد فکر می‌کند و یا انجام می‌دهند می‌دهند (سوپرسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

یکی دیگر از متغیرهای مهم در حوزه پژوهشهای روانشناسی، معنویت و هوش معنوی<sup>۷</sup> است. معنویت به منزله چتری است که مفاهیم گوناگونی مانند سلامت معنوی، ایمان، باورها و سازگاری معنوی را پوشش می‌دهد (کاتن<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). آمرم<sup>۹</sup> معتقد است هوش معنوی شامل حس حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود. به نظر می‌رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر می‌رود و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می‌گردد (نازل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴). درواقع هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس<sup>۱۱</sup> و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می‌شود (کگان<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳). استافورد، دینتان و هاس<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۰) دو راهبرد درک و ارتباط با

- 
- 1 - Problem solving
  - 2 - Parsons, Hinson & Sardobrown
  - 3 - Moral, spritual & cultural intelligence
  - 4 - Borba
  - 5 - NorHafizah, Zaihairul & Geshina
  - 6 - Superson
  - 7 - Spiritual intelligence
  - 8 - Cotton
  - 9 - Amram
  - 10 - Nasel
  - 11 - Spirit
  - 12 - Veughan
  - 13 - Stafford, Dainton & Haas

سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی را به عنوان عوامل هوش معنوی ارائه کرده‌اند. این دو راهبرد می‌تواند به حل تعارضهای زناشویی و افزایش رضایت آنان کمک اساسی کند. زوجهایی که از این راهبردها بهره می‌برند، تعهد، رضایتمندی و دلسوزی در رابطه، سازگاری و رضایتمندی بیشتری را تجربه خواهند کرد (جانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

هوش فرهنگی<sup>۲</sup> یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار در تطابق با تفاوت‌های فردی و فرهنگی است است که اخیراً در حوزه سازگاری فردی و اجتماعی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. هوش فرهنگی را توان فردی برای عمل و اداره کردن به لحاظ فرهنگی با کارایی در زمینه‌های گوناگون یا محیط‌های مختلف تعریف کرده‌اند (آنک<sup>۳</sup> و همکاران ۲۰۰۷)؛ به عبارت دیگر هوش فرهنگی بررسی می‌کند چگونه کسی می‌تواند زمانی که در یک محیط بین فرهنگی از امکانات و مهارت‌های آنها شناختی ندارد، خود را وفق دهد و پیشرفت کند (بریشلی، ورسلی و مکناب<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). امروزه نتایج تحقیقاتی که در زمینه هوش فرهنگی انجام شده، نشان داده است که آن را می‌توان پیش‌بینی کننده سازگاری، تصمیم‌گیری موفقیت‌آمیز و انجام دادن وظایف دانست (ارلی و مسکویسکی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ ارلی وانگ، ۲۰۰۵).

پیشینه پژوهشی متغیرهای سه‌گانه معنوی، اخلاقی و فرهنگی عموماً در مورد موضوعاتی غیر از خانواده است. در راستای هوش اخلاقی مؤدگان و نجفی (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که بین آموزه‌های دینی با پرورش هوش اخلاقی کودکان همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. یافته‌های سیادت، مختاری پور و کاظمی (۱۳۸۸) حاکی بود که بین عوامل هوش اخلاقی مدیران آموزشی و غیر آموزشی و رهبری گروهی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. آنتوناچیو و تایتل<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) نیز به مطالعه‌ای در زمینه بررسی نقش میانجی اخلاق بر کجروی پرداختند و به رابطه منفی بین کجروی و جنایت با اخلاق اشاره کرده‌اند. امریکنر<sup>۷</sup> و همکاران (۱۹۹۴) دریافتند خانواده‌هایی خانواده‌هایی که در فعالیتهای اجتماعی، مذهبی - اخلاقی، فکری - فرهنگی و نظم و سازماندهی تأکید بیشتری دارند، اعضایشان از میزان سرسختی بیشتری برخوردارند. خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹)

- 
- 1 - Janson
  - 2 - Cultural intelligence
  - 3 - Ang & et al.
  - 4 - Brislin, Worthley & MacNab
  - 5 - Mosakowski
  - 6 - Antonaccio & Tittle
  - 7 - Amerikaner

نشان دادند نگرش اخلاقی در روند زندگی موجب آسان‌سازی و بهبود روابط می‌شود. نتایج پژوهش‌ها حاکی است که بخشودگی<sup>۱</sup> به‌عنوان یک عامل مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیام زخمهای عاطفی زوجین کمک می‌کند و آموزش بخشودگی بر افزایش سازگاری زناشویی مؤثر است (گوردون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹؛ هیل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ فینچام و استون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). ییپ و تسه<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی دریافتند عامل بخشودگی به‌صورت معنی‌داری با سازگاری میان فردی، سلامت و افسردگی رابطه دارد. نتایج تحقیق صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹) نشان داد که هوش هیجانی و بخشودگی زوجها پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی بوده است. گلی و احمدی (۱۳۹۳) نیز نشان دادند بین هوش معنوی و تمام ابعاد عملکرد خانوادگی در زوجین جانباز و ایثارگر کرمانشاه رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در مورد اثربخشی رویکردهای مختلف بر متغیر عملکرد خانواده، پژوهشهای متعددی به چشم می‌خورد. نتایج پژوهشها نشان می‌دهد کارکرد مطلوب خانواده با ویژگیهای فردی زوجین مانند ارتباط مؤثر، شباهت بازخوردها، شخصیت و خلق و خوی همسر و حرمت خود همبسته است (ویجینتیمالا، کوماری و پاندا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ هانلر و گنس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵؛ ماهونی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵؛ اورتینکال و وستینگن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). جاویدی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی اثر بخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار<sup>۱۰</sup> (EFCT) بر بهبود عملکرد خانواده دریافتند این درمان سبب بهبود عملکرد خانواده شده است. اتکینز، داس، توم و سویر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹) نشان دادند آموزش مهارتهای ارتباطی باعث افزایش کارایی خانواده در مقوله‌های حل مشکل، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی می‌شود. کریمی ثانی و احیایی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه عملکرد خانواده، معنویت، تعهد سازمانی بین کارکنان دانشگاه پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد عملکرد خانواده و زیر مقیاسهای آن در تعامل با معنویت، پیش‌بینی کننده معنی‌دار تعهد سازمانی بود.

- 1 - Forgiveness
- 2 - Gordon
- 3 - Hill
- 4 - Fincham & Steven
- 5 - Yip & Tse
- 6 - Vaijyanthimala, Kumari & Panda
- 7 - Hünler & Genc
- 8 - Mahoney
- 9 - Orathinkal & Vansteewegen
- 10 - emotional focused couple therapy
- 11 - Atkins, Doss, Thum & Sevier

در راستای تأثیرات معنویت و هوش معنوی بر متغیرهای روانشناختی نیز پژوهشهای گسترده‌ای صورت گرفته است. در همین راستا وندل<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، به نقل از نصر اصفهانی و همکاران، (۱۳۹۱) معتقد است دین و معنویت به‌عنوان شیوه‌ای برای درمان آسیبها، بهترین روش کوتاه شدن دوره درمان بیماران است. هم‌چنین آن را به‌عنوان یک بعد ضروری فعالیت‌های درمانی و مشاوره‌ای می‌نگرد که کاربرد آن در خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی لازم است. دیگر پژوهشها مانند آنتوناچو و تایتل (۲۰۰۸) عنوان می‌کند که رشد اخلاقی صحیح نیازمند کیش مذهبی، اطلاعات معنوی و آزمون دوباره است. در کل، بررسیها نشان‌دهنده همبستگی مثبت بین دینی بودن با سلامت روان بوده است (غباری بناب و خدایاری فرد، ۱۳۸۰). هم‌چنین یکی از رفتارهای دینی که با بهداشت روانی و تندرستی ارتباط دارد، دعا ست (اسدالهی و معتمدی، ۱۳۸۰). کوئینک<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در تحقیقی نشان داده است که سلامت روانی و جسمانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که باورهای دینی قویتری دارند، سازگاری بهتری با موقعیتهای زندگی نشان می‌دهند. در همین راستا نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیع‌آبادی (۱۳۹۱) در بررسی اثربخشی آموزش معنامحور بر عملکرد خانواده زنان متأهل نشان دادند این آموزش بر عملکرد خانواده زنان مؤثر است معنا و تعامل خانواده، ارتباط نزدیک و متقابل با هم دارد و داشتن معنای مشترک در زندگی زناشویی می‌تواند به‌عنوان روش بهبود عملکرد خانوادگی زنان به کار رود. کم‌ری، شهیدی و آهنگرانی (۱۳۹۳) دریافتند بین بخشایش و خرده مقیاسهای احساس بهبودی، تشخیص و تصدیق و درک واقع بینانه با کارایی خانواده همبستگی معنی‌دار وجود دارد. هم‌چنین معنویت، توانایی معنوی و نگرش معنوی پیش‌بینی‌کننده‌های قویتری برای کارایی خانواده بود. معنویت به‌عنوان ساختار کنار آمدن<sup>۳</sup> در واکنش به بیماری، داغ‌دیدگی<sup>۴</sup>، فشار زندگی<sup>۵</sup> و مصیبت‌های خانوادگی<sup>۶</sup> مورد استفاده استفاده قرار می‌گیرد، در واقع بعد معنویت و جهتگیری دینی با جنبه‌های کلی سلامت و بهزیستی خانواده‌ها در ارتباط است (ریباودو و تاکاهاشی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). هم‌چنین معنویت باعث به وجود آمدن فرایندهای کنارآمدن و دیگر متغیرهای روانشناختی از جمله خوش‌بینی، امیدواری و معنی‌داری

1 - Wendel  
2 - Koenig  
3 - Coping Mechanism  
4 - Bereavement  
5 - Life Stress  
6 - Family Tragedy  
7 - Ribaldo, Takahashi

زندگی می‌شود (ایواتزان، چان، گاردنر و پراشار<sup>۱</sup>؛ ۲۰۱۳؛ اگانا، ماسلیود، جای<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). رفیعی، توان و جهانی (۱۳۹۱) در بررسی رابطه عملکرد خانواده و نگرش دینی دریافتند هر چه قدر نگرش دینی قویتر است، عملکرد خانواده نیز مطلوبتر است. وجود باورهای دینی در استحکام خانواده تأثیر بسزایی دارد. ایمان به خدا سبب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدفمند و دارای معنی باشد. نگرش دینی و معنوی می‌تواند در زندگی شخصی و ارتباط زناشویی مؤثر باشد (هانلر و گنس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). برخی پژوهشها به رابطه بین نگرش دینی با افسردگی، سلامت روانی، رضایت زناشویی و اقدام به خودکشی، اشاره کرده‌اند (رابینس و فیسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹؛ زانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). نقش مثبت دین و معنویت به‌عنوان روش مقابله شخصی در ایجاد ارتباط مثبت در فضای خانواده و برقراری رابطه بین اعضا نیز نشان داده شده است (تامپسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹)؛ با استناد به آیات قرآن کریم (برای مثال، آیه ۲۸ سوره رعد آیه ۸۲ سوره انعام، آیه ۳۰ سوره فصلت و آیه ۱۲۴ سوره طه) نیز می‌توان گفت که ایمان به خدا و پیروی از آیین اسلام عامل بازدارنده بسیاری از بیماریهای روانی و تأمین‌کننده سلامت روانی است. در همین راستا ویسی (۱۳۹۱) در بررسی اثربخشی آموزه‌های قرآنی (از جمله پیشگیری از ظن و گمان، تعهد به وعده‌ها، راهبرد صبر و تحمل، راهبرد نهایی بخشش و بازگشت و توبه) بر کاهش تعارضات زناشویی نشان داد این آموزشها بر کاهش تعارضات زناشویی تأثیر معناداری داشته است.

چنین به نظر می‌رسد گرچه عوامل اجتماعی و فرهنگی در عملکرد خانواده‌ها نقشی مهم دارد، متغیرهای فردی مانند دارا بودن هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی زیاد در زوجین می‌تواند در انسجام و عملکرد بهینه خانواده نقش داشته باشد. در تأیید این مدعا گل محمدیان (۱۳۹۳) در پژوهشی گزارش داد بین زنان سازگار و ناسازگار از نظر هوش اخلاقی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و زوجین سازگار از هوش اخلاقی بیشتری برخوردارند. به طور کلی توانی که در ابعاد هوش وجود دارد، ضرورت آموزش این عوامل را در زمینه بهبود مسائل خانوادگی آشکار می‌سازد. بسیاری از خانواده‌ها به رغم تلاش برای سالم نگاهداشتن عملکرد خود در مراحل و چرخه‌های حیات خود، توان رویارویی با فشارهای مختلف را ندارند. از طرفی آموزش فنون برگرفته از این

- 
- 1 - Ivztan, Chan, Gardner & Prashar
  - 2 - Egana, Macleod & Jaye
  - 3 - Hunler, Genc
  - 4 - Robins, Fiske
  - 5 - Zhang
  - 6 - Thompson

عوامل به زنان، که نقش مهم و تأثیرگذاری در تعادل خانواده دارند، می‌تواند بر غنای کارایی خانواده‌ها بیفزاید. بررسی پیشینه پژوهشی نیز حاکی است که ترکیب عوامل هوشهای سه‌گانه باهم و در راستای متغیرهای خانوادگی از جمله عملکرد خانواده تاکنون مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است. با عنایت به این موارد و همچنین ضرورت و نقش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی در زندگی فردی و خانوادگی افراد، هدف اصلی پژوهش بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی، فرهنگی و معنوی بر افزایش ابعاد عملکرد خانوادگی (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) زنان است؛ لذا با توجه به این هدف، سؤال پژوهشی ذیل مطرح می‌شود:

- "آیا آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ابعاد عملکرد خانوادگی (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) زنان اثر معناداری دارد؟"

### روش پژوهش

پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شاهد و ایثارگر اسلام‌آباد غرب به دلیل مشکلات خانوادگی در سال ۱۳۹۲ بود. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود بدین صورت که ابتدا ضمن کسب اطلاعات فردی، موافقت همکاری در جلسات و بیان اهداف، فهرستی تهیه، و پیش‌آزمون روی آنها با حضور هم در موعد مقرر اجرا شد؛ سپس اعضا به صورت تصادفی در دو گروه ده نفر آزمایش و گواه گمارده شدند. به اعضای گروه گواه اطلاع‌رسانی شد که به دلیل افزایش کیفیت و استفاده بهتر این جلسات برای آنها پس از گروه آزمایش این جلسات برگزار خواهد شد؛ لذا آنان نیز پس از اجرای پس‌آزمون از این آموزشها بهره‌مند شدند. ملاکهای ورود شامل حداقل یک سال زندگی مشترک، دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال، حداقل تحصیلات سیکل و ملاکهای خروج مصرف داروهای روانپزشکی بود. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی<sup>۱</sup> تحقیق قبل از توزیع پرسشنامه، توضیحات مختصری در مورد پرسشنامه به زنان داده شد. در شروع کار با گفتن اینکه تکمیل پرسشنامه صرفاً جنبه پژوهشی دارد و پاسخهای شما محرمانه خواهد ماند به آزمودنیها اطمینان خاطر داده شد. میانگین سنی زنان گروه آزمایش ۳۶/۲۰ و گواه ۳۸/۱۰ بود.



۷۵. این زنان دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و ۲۵٪. کارشناسی بودند. یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی است. هم‌چنین به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA)<sup>۱</sup> استفاده شد.

ساختار جلسات مداخله: جلسات ارزیابی: ۱- اجرای پیش‌آزمون عملکرد خانواده ۲- اجرای پس‌آزمون به فاصله یک هفته پس از اجرای آخرین جلسه آموزشی به‌منظور بررسی پایایی تأثیرات احتمالی مداخله؛ محتوای جلسات آموزشی با مطالعه مبانی نظری (بوربا، ۲۰۰۵) و همکاری متخصصان حوزه روانشناسی و مشاوره خانواده تنظیم شد. در جلسات مداخله، بحث گروهی و تبادل نظر و تکلیف‌دهی در دستور کار قرار گرفت. لازم به ذکر است تعداد جلسات ده جلسه به طول دو ساعت و هفته‌ای دو بار بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: محتوای جلسات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی

جلسه	محتوا و موضوعات جلسات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی
اول	معرفی اعضا، بیان قوانین جلسات (از قبیل احترام، گوش دادن، رازداری و...) (فضیلت‌های احترام، مهربانی و همدلی) استفاده از فنون و تمرینهای رفتاری (گوش دادن انعکاس احساس و...)، الگوگیری، خود نظارتگری و ضبط، مهار محرکها، تغییر محیطی، برنامه‌های تقویت احترام و همدلی.
دوم	(فضیلت اخلاقی وجدان و خویشتن‌داری)، تکلیف: سنجش با وجدان بودن و روش تقویت وجدان در خانواده، دور کردن خود و همسر از کنترل بیرونی، استفاده از ضمیر من به جای تو و تشویق پاداش درونی، قاعده چهار R.
سوم	(فضیلت‌های اخلاقی بردباری و انصاف) مهارتهای کنترل خشم و تقویت بردباری، ثبت رفتار منصفانه در برابر همسر در طول هفته (خود نظارت‌گری)، فن تصویرسازی مثبت درباره خاطرات و رفتارهای مثبت همسر و تحلیل هزینه و منفعت.
چهارم	(هوش فرهنگی) راهبرد هوش فرهنگی، دانش هوش فرهنگی، تمرین احترام به تفاوتها و...
پنجم	(هوش فرهنگی) انگیزش هوش فرهنگی و رفتار هوش فرهنگی، تمرین مقابله با پیشداوری
ششم	(هوش فرهنگی) شناسایی و ردیابی خطای شناختی، تمرین درست اندیشی، روش پنج مرحله‌ای «ارلی» و «موساکوسکی» در تقویت هوش فرهنگی
هفتم	هوش معنوی و تقویت آن، خودآگاهی، احترام به انسان و اندیشه‌های والای او، پرورش روحیه و نگرش خوش‌بینانه و مثبت‌گرا نسبت به انسان و رفتار او، مشارکت عمومی اعضای خانواده در فرایند تصمیم‌گیری، توجه به استقلال افراد و واگذاری مسئولیتها به آنان و...
هشتم	عوامل هوش معنوی در اسلام، بازشناسی و باور موجود معنوی برتر (خدایانند). ارائه تمرین و تکالیف دعا، خواندن قرآن و...
نهم	جمع‌بندی کلی از تمام فضیلت‌های اخلاقی، هوش فرهنگی و معنوی
دهم	اجرای پس‌آزمون عملکرد خانواده

پرسشنامه عملکرد خانواده: پرسشنامه عملکرد خانواده<sup>۱</sup> (F.A.D) ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد (کارایی) خانواده توسط بیشاپ، اپستین و بالدوین<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) بر مبنای الگوی مک مستر تدوین شده است. الگوی مک مستر برای عملکرد (کارایی) خانواده، شش بعد را در نظر دارد: حل مسئله، ارتباط، نقشها، پاسخدهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و یک بعد عمومی به نام کارکرد کلی. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت و نمره‌های کمتر

1 - Family assessment device  
2 - Bishop, Epstein & Baldoein

نشانه‌دهنده آسیب کمتر و بهبود عملکرد خانواده است. این ابزار در مطالعه‌ای مستقل روی ۱۷۸ زوج با مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس<sup>۱</sup> همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمره‌های مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داد (ثنایی، ۱۳۷۹) ضریب آلفای کل مقیاس و خرده مقیاسهای آن به غیر از خرده مقیاس نقشها در پژوهش امینی (۱۳۷۸) از ۰/۶۱ تا ۰/۹۲ بوده است.

### یافته‌ها

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار ابعاد عملکرد خانواده در دو گروه آزمایش و گواه در دو زمان پیش‌آزمون و پس‌آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار ابعاد عملکرد خانواده (دو گروه آزمایش و گواه)

متغیر	حل مشکل	نقشها		ارتباط		همراهی عاطفی		آمیزش عاطفی		کنترل رفتار		عملکرد کلی		
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
پیش‌آزمون	۱۳/۴۰	۳/۰۹	۲۵/۳۰	۴/۰۸	۲۰/۷۰	۳/۳۳	۲۱/۴۰	۳/۳۴	۲۲/۴۰	۲/۸۲	۲۵/۱۰	۲/۹۶	۲۹/۷۰	۷/۳۱
	۱۴/۷۰	۲/۴۵	۲۳/۷۰	۶/۴۱	۲۱/۳۰	۵/۰۲	۲۱/۷۰	۳/۶۲	۲۴/۸۰	۳/۳۵	۲۵/۱۰	۳/۹۰	۲۸/۱۰	۴/۸۰
پس‌آزمون	۱۴/۰۰	۱/۹۵	۲۵/۵۰	۲/۹۵	۱۹/۸۰	۳/۲۱	۱۹/۵۰	۳/۱۴	۲۳/۹۰	۳/۳۰	۲۴/۰۰	۲/۱۶	۲۸/۲۰	۵/۹۶
	۱۰/۵۰	۲/۶۴	۱۷/۵۰	۴/۲۷	۱۴/۱۰	۴/۱۳	۱۵/۱۰	۲/۹۵	۱۹/۷۰	۲/۶۴	۱۹/۳۰	۴/۳۲	۲۲/۷۰	۵/۳۰

جدول ۳ بیانگر خلاصه نتایج کوواریانس همراه با آزمونهای معنی‌داری در ابعاد عملکرد خانواده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) در ابعاد عملکرد خانواده

نام آزمون	مقدار	فرضیه df	خطای df	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
اثر پیلاپی	۰/۹۱۹	۷/۰۰	۵	۸/۰۵۹	$P < ۰/۰۱۸$	۰/۹۱۹	۰/۸۷۱
لامبدای ویلکس	۰/۰۸۱	۷/۰۰	۵	۸/۰۵۹	$P < ۰/۰۱۸$	۰/۹۱۹	۰/۸۷۱
اثر هنتلینگ	۱۱/۲۸۲	۷/۰۰	۵	۸/۰۵۹	$P < ۰/۰۱۸$	۰/۹۱۹	۰/۸۷۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۱۱/۲۸۲	۷/۰۰	۵	۸/۰۵۹	$P < ۰/۰۱۸$	۰/۹۱۹	۰/۸۷۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون سطوح معنی‌داری همه آزمونها بیانگر این است که بین زنان گروه‌های آزمایش و گواه حداقل در یکی از ابعاد عملکرد خانواده (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) در سطح  $P < 0/005$  تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با  $0/91$  است؛ یعنی ۹۱ درصد تفاوت‌های فردی در نمره‌های پس‌آزمون به تأثیر آموزش هوشهای اخلاقی، معنوی و مربوط فرهنگی است. توان آماری نزدیک به ۱ است؛ یعنی امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است. برای پی بردن به تفاوت بین گروه‌ها در متغیرهای (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) نتایج آزمون تحلیل کوواریانس یکراهه در متن مانکوا در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس یکراهه در متن مانکوا

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا	توان آماری
حل مشکل	گروه	۲۴/۹۵۰	۱	۲۴/۹۵۰	۸/۰۴۴	$P < 0/016$	۰/۴۲۲	۰/۷۳۳
نقشها	گروه	۱۴۳/۶۸۳	۱	۱۴۳/۶۸۳	۸/۰۱۹	$P < 0/016$	۰/۴۲۲	۰/۷۳۲
ارتباط	گروه	۶۱/۶۳۷	۱	۶۱/۶۳۷	۶/۴۹۲	$P < 0/027$	۰/۳۷۱	۰/۶۴۱
همراهی عاطفی	گروه	۵۸/۷۸۵	۱	۵۸/۷۸۵	۱۵/۷۷	$P < 0/002$	۰/۵۸۹	۰/۹۵۰
آمیزش عاطفی	گروه	۷۴/۷۱۶	۱	۷۴/۷۱۶	۷/۲۴۲	$P < 0/021$	۰/۳۹۷	۰/۶۸۹
کنترل رفتار	گروه	۸۴/۵۳۲	۱	۸۴/۵۳۲	۶/۱۹۲	$P < 0/030$	۰/۳۶۰	۰/۶۲۱
عملکرد کلی	گروه	۱۴۷/۳۹۳	۱	۱۴۷/۳۹۳	۲۲/۳۶۲	$P < 0/001$	۰/۶۷۰	۰/۹۹۰

جدول ۴ بیانگر نتایج تحلیل کوواریانس یکراهه در متن مانکوا در زمینه ابعاد عملکرد خانوادگی (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) است. همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، نتیجه بیانگر این است که با کنترل پیش‌آزمون، بین زنانی که آموزش هوشهای سه‌گانه را دریافت کرده‌اند (گروه آزمایش) و زنانی که این آموزشها را دریافت نکرده‌اند (گروه گواه) از لحاظ عملکرد کلی ( $F=22/362$  و  $P < 0/001$ )، حل مسئله ( $F=8/044$  و  $P < 0/016$ )، نقشها ( $F=8/019$  و  $P < 0/016$ )، ارتباط ( $F=6/492$  و  $P < 0/027$ )، همراهی عاطفی ( $F=15/772$  و  $P < 0/002$ )، آمیزش عاطفی ( $F=7/242$  و  $P < 0/021$ ) و کنترل رفتار ( $F=6/192$  و  $P < 0/030$ ) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر درمان هوش‌محور

موجب افزایش عملکرد خانوادگی در ابعاد هفتگانه گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت نشان می‌دهد از ۳۶ تا ۶۷ درصد تفاوت‌های فردی در نمره‌های پس‌آزمون ابعاد عملکرد خانواده به آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی مربوط است. توان آماری نیز در این متغیرها بیانگر این است که امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است و بر کفایت حجم نمونه دلالت دارد.

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی، فرهنگی و معنوی بر عملکرد خانوادگی زنان انجام شد. نتایج نشان داد بین نمره عملکرد خانوادگی (حل مسئله، نقشها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) در زنان گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد و این مداخله بر افزایش عملکرد خانوادگی مؤثر است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های گلی و احمدی (۱۳۹۳)، امریکتر و همکاران (۱۹۹۴)، یار محمدیان و همکاران (۱۳۹۰)، ویسی (۱۳۹۱)، نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۱) و خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹) همسو است. خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹) نشان دادند نگرش اخلاقی زوجین در روند زندگی موجب آسان‌سازی روابط بین آنان می‌شود. در همین راستا نتایج بسیاری از پژوهشها (از جمله صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی، ۱۳۸۹؛ جانسون، ۱۹۹۵؛ گوردون و همکاران، ۲۰۰۹؛ هیل، ۲۰۰۱؛ فینچام و استون، ۲۰۰۴) حاکی است که بخشودگی به‌عنوان یک عامل مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیام زخمهای عاطفی زوجین کمک می‌کند و آموزش این عامل می‌تواند بر افزایش سازگاری زناشویی مؤثر باشد. ییپ و تسه<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نیز به رابطه معنی‌دار عامل بخشودگی با سازگاری میان فردی، سلامت و افسردگی اشاره کرده‌اند.

در زمینه تبیین یافته‌های این پژوهش چنین استنباط می‌شود زمانی که زنان در تعاملات روزمره خود مفاهیم و اصول اخلاقی و معنوی را در نظر می‌گیرند، در واقع از آن به‌عنوان معیاری در روابط خود استفاده می‌کنند و سعی در کسب رضایت اعضای خانواده دارند؛ به‌عنوان نمونه اصل اخلاقی "آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند"، راهگشای درک همدلانه زنان در خانواده و ارتباطاتشان با دیگر اعضا و بویژه همسر خود است. تبیین دیگر این است که پیروی از اصول اخلاقی و معنوی در زندگی روزمره افراد در خانواده می‌تواند محافظتی محکم برای آنها در

برابر مشکلات باشد؛ لذا به نظر می‌رسد آموزش و تقویت عوامل هوش معنوی از جمله خودآگاهی، احترام به انسان و اندیشه‌های والای او، پرورش روحیه و نگرش خوش‌بینانه و مثبت‌گرا نسبت به انسانها توانسته است بر روابط اعضای خانواده و هم‌چنین آستانه تحمل آنها اثر داشته باشد. حرکت در جهت ارزشها و نگاه کردن به زندگی به صورت فرایندی معنوی در قالب فرهنگ ایرانی آسان‌کننده بهبود عملکرد خانوادگی می‌شود. از طرف دیگر همه ادیان و مذاهب نیز بر اهمیت اخلاق و معنویت در سعادت و سلامت انسان تأکید داشته‌اند به طوری که در دین اسلام نیز اخلاق تا آن حد ارزشمند است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هدف از بعثت خود را کامل کردن مکارم اخلاق می‌داند و در مفاهیم متعالی اسلامی ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین آشکار است.

دیگر یافته‌ها نشان داد که هوش فرهنگی نیز متغیر مهمی در بهبود عملکرد خانوادگی است. در زمینه ارتباط این یافته‌ها با متن زندگی ایرانی می‌توان عنوان کرد که در اثر آموزش هوش فرهنگی، زنان یاد می‌گیرند که تفاهم داشتن اشتراکات با همسر نیست؛ بلکه در واقع کنار آمدن با تفاوتها است؛ به عبارت دیگر ساختار عمل هوش فرهنگی به‌عنوان عاملی مهم و مثبت در سازگاری تأکید بر پذیرش و هم‌فهمی در زمینه تفاوتها است. زوجین و اعضای خانواده ناگزیر از تعارض و اختلاف نظر هستند به طوری که همسران مدتی پس از شروع زندگی، تفاوتهای خود در زمینه انتظارات و نیازها را نشان می‌دهند؛ تفاوتهایی که همسو شدن با یکدیگر را سخت می‌کند. در این مرحله افراد احساس می‌کنند همسرشان آن‌گونه نیست که آنها فکر کرده بودند و یکدیگر را به انعطاف ناپذیری متهم می‌کنند (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۲). چنین به نظر می‌رسد که هوش فرهنگی می‌تواند در درک و پذیرش تفاوتها سودمند واقع، و راهگشای حل مشکلات در درون خانواده و بین زوجین شود. عوامل همراهی و آمیزش عاطفی از هوش فرهنگی بسیار تأثیر می‌پذیرد؛ چراکه تا فرد توانایی پذیرش و درک تفاوتها را نداشته باشد، نمی‌تواند همراهی و آمیزش عاطفی مؤثری داشته باشد؛ به عبارت دیگر هوش فرهنگی مقدمه و پیش‌نیاز همراهی عاطفی متصور می‌شود.

مرور شواهد پژوهشی حاکی است که عملکرد خانواده با هوش معنوی همبستگی معنی‌داری دارد (گلی و احمدی، ۱۳۹۳). در واقع وقتی زوجین به ازدواج نگاه مقدس دارند، چارچوبی برای خود ترسیم می‌کنند که تمام رفتارها، اعمال و احساسات خود را در آن قالب تعبیر و تفسیر می‌کنند. از دیدگاه کاسنر (۲۰۱۰) تقدس فرایندی است که فرد به وسیله آن جنبه‌ای از زندگی

همچون داشتن معنا یا منش الهی را تجربه می‌کند. هم‌چنین تقدس می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کیفیت و تعهد روابط زوجین و سبب کاهش تأثیر عوامل فشارزا بر زندگی زناشویی باشد (الیسون، هندرسون، گلن و هارکریدر، ۲۰۱۱). از این رو تقویت هوش معنوی و فرهنگی در روابط روزمره می‌تواند بر اثربخشی افراد در موقعیت‌های مختلف بویژه روابط اعضای خانواده و زوجین مؤثر باشد؛ لذا زنانی که این آموزشها را دریافت کرده‌اند از مزایای آن از جمله آگاهی از نقاط قوت و ضعف هوش فرهنگی خود، توسعه شخصی و بازخورد (پرسش از دیگران برای ارزیابی هوش فرهنگی خود) بهره‌مند شده‌اند. در نتیجه آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود و تفاوت‌های همسر و اعضای خانواده، سوء تفاهمها را کاهش می‌دهد و فرد می‌تواند با استفاده از بازخوردها و دیدگاه‌های دیگران، تعاملات موفق و اثربخشی را شکل دهد.

هر پژوهشی، محدودیتهایی دارد؛ از جمله محدودیتهای این پژوهش این است که نتایج آن صرفاً به زنان متأهل جامعه آماری مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره قابل تعمیم است. هم‌چنین کنترل برخی متغیرهای جمعیت شناختی می‌تواند در پژوهشهای بعدی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود رابطه هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی با متغیرهای دیگر از جمله رضایت زناشویی و هم‌چنین مقایسه آن در زنان و مردان مطلقه و عادی مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین گنجاندن تقویت هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به منظور بهبود روابط زوجین و تحکیم خانواده ضروری می‌نماید. این مطالعه نشان داد که هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی متغیرهای مهمی در زندگی فردی و خانوادگی است و در مجموع تقویت هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی می‌تواند به عنوان سازه‌ای بنیادین و اثرگذار در روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایتمندانه به شمار رود؛ بنابراین می‌توان از طریق آموزش ابعاد هوشی ذکر شده در بهبود روابط بین فردی و خانوادگی اقدام مؤثر انجام داد.

#### منابع

##### قرآن کریم

- ابزری، مهدی؛ اعتباریان، اکبر؛ خانی، اعظم (۱۳۸۹). بررسی تأثیر هوش فرهنگی و اثربخشی آن بر ۴۷ گروه کاری شرکت فولاد مبارکه. پژوهش‌نامه مدیریت تحول. شماره ۴: ۲۵ تا ۴۱.
- بوربا، میکله (۱۳۹۰). پرورش هوش اخلاقی در کودکان. ترجمه فیروزه کاووسی. تهران: انتشارت رشد.
- پارسونز، ریچارد؛ هینسون، استفان؛ ساردو براون، دبورا (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی. ترجمه حسن اسدزاده و حسین اسکندری. تهران، انتشارات معاصر.

- تامپلسون، باربارا (۱۳۸۴). **راهنمای سنجش خانواده**. ترجمه فرشاد بهاری و سید اسماعیل مهدوی هرسینی. تهران: انتشارات تزکیه.
- تیرگری، عبدالحکیم؛ نژاد فرید، علی اصغر؛ بیان زاده، سید اکبر؛ عابدین، علیرضا (۱۳۸۵). مقایسه هوش هیجانی و رضامندی زناشویی و رابطه ساختاری آنها در زوجین ناسازگار و سازگار شهرستان ساری. **مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران**. شماره ۵۵: ۸۷ و ۸۶.
- ثناپی، باقر (۱۳۷۹). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**. تهران: انتشارات سروش.
- جاویدی، نصرالدین؛ سلیمانی، علی‌اکبر؛ احمدی، خدابخش؛ صمدزاده، منا (۱۳۹۲). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده. **مجله علوم رفتاری**. شماره ۲: ۱۸۱ تا ۱۸۸.
- حسینی نسب، سید داوود؛ قادری، رویا (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی با بهره‌وری مدیران در مدارس شاهد استان آذربایجان غربی. **فصلنامه علوم تربیتی**. شماره ۱۳: ۲۷ تا ۴۴.
- خانیک، هادی؛ تبریزی، منصوره (۱۳۸۹). رضایت از زندگی زناشویی در رهگذر نگرش و کنش اخلاقی. **فصلنامه علوم اجتماعی**. شماره ۴۶: ۱۸۸ تا ۲۲۸.
- رحیم نیا، فریبرز؛ مرتضوی، سعید؛ دلرام، طوی (۱۳۸۹). بررسی میزان تأثیر هوش فرهنگی بر عملکرد مدیران و وظیفه‌ای. **فصلنامه مدیریت فردا**. شماره ۲۲: ۶۷ تا ۷۸.
- رفیعی، محمد؛ توان، بهمن؛ جهانی، فرزانه (۱۳۹۱). بررسی رابطه عملکرد خانواده و نگرش دینی کارکنان صف و ستاد دانشگاه علوم پزشکی اراک. **فصلنامه طب و تزکیه**. شماره ۳ و ۴: ۳۳ تا ۴۴.
- ریان، کرستین؛ اپستین، ناتان؛ کیتنز، گابور (۱۳۹۰). **ارزیابی و درمان خانواده‌ها با مدل مک مستر**. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران. تهران: انتشارات ارجمند.
- سلیمانیان، علی‌اکبر؛ محمدی، اکرم (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. **پژوهشنامه تربیتی**. **دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد**. شماره ۱۹: ۱۳۱ تا ۱۵۰.
- سیادت، سید علی؛ مختاری پور، مرضیه؛ کاظمی، ایرج (۱۳۸۸). رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیر آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. **مدیریت سلامت**. شماره ۳۶: ۶۱ تا ۷۰.
- صلاحیان افشین؛ صادقی، مسعود؛ بهرامی، فاطمه؛ شریفی، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. **مجله مطالعات روان‌شناختی** شماره ۲: ۱۱۵ تا ۱۴۰.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین. **مجله علوم رفتاری**. شماره ۲: ۱۶۱ تا ۱۶۹.
- غباری بناب، باقر؛ خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۰). **رابطه توکل به خدا با اضطراب و صبر و امیدواری در شرایط ناگوار**، مجموعه چکیده مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.



کریمی ثانی، پرویز؛ احیایی، کبری (۱۳۹۰). بررسی رابطه عملکرد خانواده، معنویت، تعهد سازمانی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسامی شبستر. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی*. شماره ۱: ۲۳ تا ۳۴.

گلی، رحیم؛ احمدی، زینب (۱۳۹۳). *رابطه هوش معنوی و ابعاد عملکرد خانواده در زوجین جانباز و ایثارگر*. مجموعه چکیده مقالات اولین کنگره بین‌المللی روانشناسی خانواده. دانشگاه شهید چمران اهواز.

گل محمدیان، محسن (۱۳۹۳). *مقایسه هوش اخلاقی زنان سازگار و ناسازگار*. مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی روانشناسی خانواده. دانشگاه شهید چمران اهواز.

کمری، سامان؛ شهیدی، شهریار؛ آهنگرانی، محمد (۱۳۹۳). نقش بخشایش و معنویت در پیش‌بینی سطح کارایی خانواده. *مجله علوم رفتاری*. شماره ۱۳: ۲ تا ۲۴.

مژدگان، سپیده؛ نجفی، مینا (۱۳۹۰). *بررسی رابطه آموزه‌های دینی توسط والدین با پرورش هوش اخلاقی کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال شهر تهران*. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. تهران. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مشبکی، اصغر؛ تیزرو، علی (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر هوش هیجانی و هوش فرهنگی بر موفقیت رهبران در کلاس جهانی*. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت*. شماره ۳: ۵۳ تا ۵۷.

نصر اصفهانی، نرگس؛ اعتمادی، احمد؛ شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۱). *بررسی اثربخشی آموزش معنومحور بر عملکرد خانواده زنان متأهل*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. شماره ۲: ۲۰۹ تا ۲۲۱.

ویسی، اسداله (۱۳۹۱). *طراحی مقایسه اثربخشی دو برنامه درمانی مبتنی بر اصول درمان روایتی و درمان مبتنی بر آموزه‌های قرآنی در کاهش تعارضات زناشویی*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. شماره ۳: ۳۴۰ تا ۳۵۷.

یار محمدیان، احمد؛ بنکدار هاشمی، نازنین؛ عسکری، کریم (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی و مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی زوج‌های جوان*. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. شماره ۲۰: ۳ تا ۱.

- Amerikaner, M. Monks, G, Wolfe, P., & Thomas, S. (1994). Family interaction and individual psychological health. *Journal of counseling and Development*, 72(6), 614-623.
- Ang, S., Van Dyne, L., Koh, C., Ng, K. Y., Templer, K. J., Tay, C., Chandrasekar, N. A. (2007). Cultural Intelligence: Its measurement and Effects on Cultural Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation, and Task Performance. *Management and Organization Review*, 3, 335-371.
- Antonaccio, O. & Tittle, C. R. (2008). Morality, self-control, and crime. *Criminology*, 46(2): 479-510.
- Atkins DC, Doss BD, Thum YM, Sevier M, Christensen A.(2005). Improving relationship: Mechanisms of change in couple therapy. *J Couns Clin Psychol*; 73:624-33.
- Bishop, D. S. Epestine, N.B. & Baldwin, L.M.(1980). Structuring a family assessment. *Canadian family physician*. 26, 1534-1537.
- Borba, M. (2001). *Building Moral Intelligence*. San Francisco: Jossey Bass.
- Borba, M. (2005). *The step- by – step plan to building moral intelligence*, Nurturing Kids Heart & Souls, National Educator Award, National council of self-esteem. Jossey-Bass.

- Brislin, R., Worthley, R., & MacNab, B. (2006). Cultural intelligence: Understanding behaviors that serve people's goals. *Group and Organization Management*, 31, 40-55.
- Cotton, S. Larkin, E. Hoopes, A. Cromer, B., A. & Rosenthal, S. L. (2005). The impact of adolescents' spirituality on depressive symptoms and health risk behaviors. *Journal of Adolescent Health*, 36, 520-540.
- Crystal, D. (2008). *Texting: The Gr8 Db8*. Oxford: Oxford University Press.
- Earley, P. C. & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: individual interactions across cultures*. Stanford, CA: Stanford Business Books.
- Earley, P. C., & Mosakowski, E. (2005). Cultural intelligence. *Harvard Business Review*, 82, 139-153.
- Egana, R., Macleod, R., Jaye C, McGee, R, Baxter J, Herbison, P. (2011). What is Spirituality? Evidence From a New Zealand Hospice Study. *Mortality: Promoting the Interdisciplinary Study of Death and Dying*; 16(4): 307-24.
- Fincham, F. D., & Steven, R. H. (2004). Forgiveness and conflict Resolution in marriage, *Journal of family psychology*, 18, 72-81.
- Gardner, H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the new millennium*. New York: Basic Books.
- Gordon, K. C, Hughes, F. M, Tomcik, N. D, Dixon, L. J, & Litzinger, S. C. (2009). Widening Spheres of impact: The role of Forgiveness in Marital and Family Functioning, *Journal of Family Psychology*, 23, 1, 1-13.
- Hafizah, N.H, Zaihairul, I. & Geshina, A. M. (2012). Moral Competencies among Malaysian Youth. *Health and the Environment Journal*, 2, Vol 3. No 3.1-10.
- Hill, E. (2001). Understanding forgiveness as discovery: Implications for marital and family therapy, *contemporary family therapy*, 23, 4, 369-384.
- Hünler, O. S., & Genc, ÖZ, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
- Hunler, O.S, Genc, O. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*; 27(1):123-136.
- Itzhan, I, Chan, C, P.L, Gardner, H. E, Prashar, K. (2013). Linking Religion and Spirituality with psychological well-being: Examining self-actualization, meaning in life, and personal Growth Initiative. *J Relig Health*; 52(3):915-29.
- Jahnson, M. P, (1995). Patriarchal terrorism and common couple violence two forms of violence against women, *Journal of Marriage and the family*, 57, 283-294.
- Johnson, S. L. (2009). *Individual and interdependent analyses of relational maintenance, sexual communication, and marital quality*. Doctoral dissertation, Arizona State University.
- Koenig, H. G. (2007). Spirituality and depression. *Southern medical journal*. 737-739.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*; Unpublished thesis. Australia: The University of South Australia.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28, 497-504.
- Ribaud, A, Takahashi M. (2008). Temporal Trends in Spirituality Research: A Meta-Analysis of Journal Abstracts between 1944 and 2003. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*; 20:1-2, 16-28.
- Robins, A, Fiske A. (2009). Explaining the Relation between Religiousness and Reduced Suicidal Behavior: Social Support Rather Than Specific Beliefs. *Suicide and Life-Threatening Behavior*: Vol. 39, No. 4, pp. 386-395

- Sisk, D.A.(2002). Spiritual intelligence: The tenth intelligence that integrates all other intelligences. *Gifted Education International*, 16(3), 208-212.
- Stafford, L. & Dainton, M. & Haas, S. (2000). Measuring routine and strategic relational maintenance: Scale revision, Sex versus gender roles, and prediction of relational characteristics. *Communication Monographs*. 67, 306-323.
- Superson, A. (2009). *The Moral Skeptic*. Oxford University Press. 127-159.
- Thompson, D.A.(1999). The role of religiosity in the school behavior of adolescents with emotional and behavioral disorders. Thesis, Florida State University, Tallahassee.
- Trankasombat, U.(2006) Family functioning in the families of psychiatric patients: A comparison with nonclinical families. *J Med Assoc Thai*; 89(11):1946-53
- Vaijayanthimala, K. Kumari, K. & Panda, P. (2004). Socio entomic heteronomy and marital satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15 (1), 2-11.
- Veughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *Journal of humanistic psychology*. 42, (2). 16-33.
- Yip, T. H & Tse, W. S. (2009). Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being, *Personality and Individual Differences*, 46, 3, 365-368.
- Zhang, W.(2008). Religious Participation and Mortality Risk among the Oldest Old in China. *The Journal of Gerontology*; 63B, 5S293-S297.

